

شاعران اردوزبان و زبان فارسی

علی بیات^۱

مقدمه

درباره تاریخ حضور زبان فارسی در خطه شبه‌قاره هند و پاک، و میزان تأثیر دانشوران و ادیبان فارسی‌زبان در ادبیات آن خطه، سخن‌های فراوان گفته شده و کتاب‌های بسیاری به نگارش درآمده است. آنچه قابل تأمل است این که زبان شیرین و شیوای فارسی تا قرن‌ها اذهان مردم مسلمان و غیرمسلمان این سرزمین را تسخیر کرده بود و آن‌ها نیز آگاهی از این زبان و توانایی صحبت کردن با آن را برای خود مایه افتخار می‌دانستند. به همین دلیل آثاری را با همین انگیزه به وجود آورده‌اند که تنها فهرست آن‌ها بالغ بر ده‌ها کتاب می‌شود. حال با قطع نظر از دوره‌های پیشین و اوضاع گذشته، سؤالی که مطرح می‌شود این است که سخنوران و ادیبان اردوزبان، که بی‌شک از زبان فارسی تأثیرات بسیار عمده‌ای پذیرفته‌اند، در دوران معاصر تا چه میزان با فارسی آشنایی دارند؟ آنان تا چه حد به فراگیری و استفاده از فارسی در کلام و شعر خود اهمیت می‌دهند؟ و آنان که در آثار نثر و نظم خود ناخواسته از واژه‌ها، ترکیبات، ضرب‌المثل‌ها، محاورات و دیگر صنایع لفظی و معنوی آن استفاده

می‌کنند، تا چه حد این بهره‌برداری آگاهانه و عالمانه است؟
در این مقاله با استناد به آثار منظوم چند شاعر معاصر اردوزبان، خواهیم کوشید به این سؤال‌ها جواب دهیم.

نگاهی اجمالی به گذشته شعر اردو

اگر تاریخ زبان و ادبیات اردو را ورق بزنیم، از آغاز اولین تلاش‌ها برای شعرگویی در این زبان، حضور زبان فارسی را در مصرع به مصرع و بندبند اشعار سروده شده و به طور کلی ادبیات اردو، شاهد خواهیم بود. پرواضح است که این حضور فقط در حد واژه‌ها نیست، بلکه اوزان و بحور و قالب‌های شعری فارسی اعم از قصیده، مثنوی، غزل، رباعی، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و... تا امروز سرمشق شاعران این زبان بوده است. صوفی مشهور هندوستان، سعدالله گلشن (د ۱۱۴۱ ق) در ملاقاتی که با شاعر بزرگ زبان اردو، ولی دکنی (۱۶۶۸ - ۱۷۳۷ م) داشته است به وی چنین توصیه می‌کند: «این همه مضامین فارسی که بی‌کار افتاده‌اند، در ریخته^۱ خود به کار گیر، از تو که محاسبه خواهد گرفت.»^۲ همین سفارش و به گوش جان خریدن توصیه استاد توسط ولی دکنی، انقلابی عظیم در شعر اردو پدید می‌آورد و شعرای دیگر نیز متوجه می‌شوند که براحتی می‌توانند از فارسی و سرمایه آن استفاده کنند و شعر زبان مادری خود را غنا بخشند. شاعرانی چون میر تقی میر (۱۷۲۳ - ۱۸۱۰ م)، میرزا محمد رفیع سودا (۱۷۱۳ - ۱۷۸۱ م) و خواجه میر درد (۱۷۱۹ - ۱۷۸۵ م) و بسیاری دیگر، شعر زبان اردو را به درجات والایی می‌رسانند که همعصران و آیندگان با الگو قرار دادن آن‌ها آثار ارزشمندی به یادگار می‌گذرانند. اما اوضاع سیاسی و اجتماعی در این سرزمین همیشه با زبان فارسی موافق نماند و در دوست سال اخیر تحولاتی به وقوع پیوست که در ذهن ما این سؤال‌ها را ایجاد می‌کند: تا چه مدت این تأثیر ادامه یافته است؟ و، چه تغییراتی در نوع کاربرد و استفاده از فارسی اتفاق افتاده است؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها باید نگاهی کوتاه و اجمالی به وضعیت سیاسی و به‌ویژه وضعیت ادبی شبه‌قاره هند و پاک بیندازیم. با حضور کمپانی هند شرقی و عملکرد ضعیف پادشاهان مسلمان سلسله تیموریان هندوستان، قدرت سیاسی رفته‌رفته از دست مسلمانان خارج شد و به دست انگلیسی‌ها و

۱. در اصطلاح ادبیات اردو، آمیختن آهنگ‌های فارسی و هندی را ریخته می‌گویند. اما به دلیل تشکیل یافتن زبان اردو از چند زبان مختلف، به آن هم ریخته گفته شد و ریخته معادل زبان اردو شد که این اصطلاح در این معنی متداول‌تر بوده است.
۲. اردو ادب کی مختصرترین تاریخ، ص ۸۷.

گاهی مردم غیرمسلمان هندوستان افتاد. انگلیسی‌ها با سیاست‌های موزیانه خود به همراه تسلط سیاسی، اقداماتی جهت سلطه فرهنگی کردند؛ از جمله این اقدامات، تأسیس فورت ولیم کالج^۱ در چهارم مه ۱۸۰۰ م بود. آنان با استفاده از مترجمان زبردست، آثار منظوم و منثور را از فارسی، عربی، هندی و گاهی انگلیسی به زبان اردو ترجمه کردند. این اقدامات نهایتاً به انزوای فارسی و متداول شدن زبان اردو در بخش‌های دولتی و اداری منجر شد. از سوی دیگر تحرکات سیاسی بر ضد حضور انگلیسی‌ها در شبه‌قاره جان گرفت و در سال ۱۸۵۷ م مسلمانان به یک قیام همه‌جانبه دست زدند که متأسفانه بسختی سرکوب شدند. این جنگ در تاریخ شبه‌قاره به جنگ آزادی و یا به قول انگلیسی‌ها به «واقعۀ غدر» مشهور است. پس از این حادثه شخصیت‌هایی مانند سر سید احمدخان (۱۸۱۷ - ۱۸۹۸ م)، مولانا الطاف حسین حالی (۱۸۳۷ - ۱۹۱۴ م) و مولانا شبلی نعمانی (۱۸۵۱ - ۱۹۱۴ م) با تأسیس مدارس و دانشگاه‌هایی در شهر علیگر، که در آن‌ها علوم مختلف را به زبان اردو تدریس می‌کردند، تلاش نمودند که بین اربابان قدرت و مسلمانان نوعی آشتی ایجاد کنند. در این مراکز مباحث علمی انگلیسی نیز ترجمه و تدریس می‌شد.

بعدها امکانات سفر به اروپا و تحصیل در آن‌جا برای مردم فراهم شد. فارغ‌التحصیلان، آثار علمی و ادبی بسیاری را از انگلیسی به اردو ترجمه کردند. این ترجمه‌ها در پایه‌گذاری مکتب‌های ادبی جدید مبتنی بر آنچه در اروپا در جریان بود، تأثیر بسیاری داشتند. در همین راستا، در ژانویه ۱۸۶۵ م انجمنی به نام «انجمن پنجاب»^۲ در شهر لاهور بنیان نهاده شد که، در کنار دیگر فعالیت‌ها، برگزاری مشاعره‌هایی با موضوع طبیعت و مسائل اجتماعی از اقدامات عمده آن بود. بیشتر سخنوران وقت از این انجمن حمایت کردند و با آن هماهنگ شدند و طی مقالات مختلف و عملاً با اشعار خود برخی اصول شعر کلاسیک را کنار گذاشتند. مکتب رماتیک نیز در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی به هندوستان راه یافت و شاعران بسیاری را تحت تأثیر قرار داد. اقتباس و ترجمه از آثار (مشاهیر)

۱. وقتی در سال ۱۷۹۸ م لُرد ولزلی به عنوان فرماندار نظامی در کلکته منصوب شد، متوجه وجود مشکل زبان در اداره امور کمپانی شد، بنابراین طی نامه‌ای به کمپانی هند شرقی ضرورت آموزش کارمندان و یادگیری زبان اردو را گوشزد کرد و سرانجام با تلاش و پیگیری‌های او در سال ۱۸۰۰ م این کالج افتتاح و از ششم فوریه سال بعد تدریس رسمی در آن آغاز شد.

۲. دستور حکومت وقت در ژانویه ۱۸۶۵ م، این انجمن تأسیس شد که احیای علوم شرقی، ترویج آموزش به کمک زبان‌های محلی، تبادل افکار در مسائل اجتماعی و ادبی و علمی، و تبلیغ برای اقدامات دولتی و مشاعره‌هایی با موضوعات اجتماعی و طبیعی از جمله اقدامات آن بود. یک مجله به نام انجمن نیز زیر نظر همین انجمن چاپ می‌شد.

رماتیک آن سوی مرزها در شبه‌قاره متداول شد، تا جایی که شخصیتی چون علامه اقبال (۱۸۷۳ - ۱۹۳۸ م) ترجمه‌های موفق‌تری از آن شاعران در کارنامه خود دارد.

وضعیت نابسامان زندگی و فشار استعمارگران و نیز انقلاب روسیه، همگی دست به دست هم دادند و حرکتهای جدید ادبی را به وجود آوردند. مکتب رماتیک، که در حقیقت عکس‌العملی در برابر موضوعات خشک و خسته‌کننده انجمن پنجاب بود، با شروع رسمی «مکتب ادبیات ترقی خواه»^۱ در سال ۱۹۳۶ م، به انزوا کشیده شد. در اجلاسی که با حضور بسیاری از ادیبان و دانشوران اردو زبان در همین سال تشکیل شد، اعتراضات شدیدی به بی‌حسی و تخیل‌پردازی‌های شاعران و نویسندگان شد و عملاً از آنان دعوت شد که مسائل زندگی مردم خود را موضوع آثار ادبی خویش قرار دهند. پیروزی و استقلال کشورهای پاکستان و هندوستان در سال ۱۹۴۷ م، و حوادث پس از تقسیم نیز از عوامل تأثیرگذار در سیر ادبیات اردو به شمار می‌رود. در این قرن که زبان‌های بیگانه در تار و پود زندگی اقوام شرق نفوذ کرده است، بیشتر جوانان این سرزمین‌ها دچار احساس خودکم‌بینی‌اند و گویندگان اردو هم از این قاعده مستثنا نیستند. برخوردها با زبان فارسی متفاوت است: گروهی همچنان با دیده احترام به آن می‌نگرند و کم و بیش آن را در هنر خویش به کار می‌برند و گروهی در آغوش زبان انگلیسی پناه می‌جویند. اما آیا زبان فارسی را جوانان این عصر در پاکستان و هندوستان از شعر خود کنار زده‌اند؟ در پاسخ می‌توانیم بگوییم که زبان فارسی و سرمایه‌های ادبی آن چنان با زبان اردو در آمیخته است که بعضی وقت‌ها جدا کردن و دادن هویت فارسی به آن‌ها مشکل است، زیرا زبان پویای اردو آن‌ها را در محیط خود چنان پرورده که اینک نامی جز الفاظ و واژگان اردو بر آن‌ها نمی‌توان نهاد. در سیر آموزش و تربیت زبان اردو، تمام شاعران و سخنوران این زبان به طور ناخواسته با فارسی آشنا می‌شوند و با کمک همان‌ها به تمرین و ممارست می‌پردازند تا کلامشان روان و با طبع خوانندگان سازگار شود. بسیاری از قالب‌های شعری، بیان، آرایه‌های ادبی و لفظی و معنوی و فنون عروض و قافیة فارسی در زبان اردو نیز متداول‌اند و شاعری موفق است و مقبولیت می‌یابد که از همه این‌ها آگاهی داشته باشد و در کلامش آن‌ها را به کار برده باشد.

در این جا می‌توان ادعا کرد که تمام حوادث دو سده اخیر فقط منجر به این شده است که زبان فارسی به عنوان زبان اداری و دولتی کنار برود، وگرنه این زبان حضور خود را در تمام

زمینه‌های ادبی منظوم و منثور، فیلم‌ها، سریال‌ها و نمایش‌ها حفظ کرده است و این حضور با توجه به علاقهٔ اردو زبان‌ها به فارسی غیر قابل انکار است.

در این مقاله به بررسی اشعار پنج تن از شاعران معاصر اردو زبان و ارائهٔ مصادیقی بر این مدعا خواهیم پرداخت و جنبه‌های مورد توجه هر شاعر را از سرمایه‌های زبان فارسی مطالعه خواهیم کرد. این شاعران از سرایندگان نامی عصر حاضر در زبان اردو هستند و شعرگویی آن‌ها فاصلهٔ زمانی هفتاد تا هشتاد سال اخیر را در بر می‌گیرد. توضیح این نکته ضروری است که علامه اقبال و آثار وی را در این جا مطرح نکرده‌ایم، زیرا در باب او مقالات و کتاب‌های بسیاری به نگارش درآمده و کم‌تر به دیگر سخن‌پردازان زبان اردو پرداخته شده است. بنابراین انتخاب نکردن علامه اقبال و اشعارش در این مقاله فقط به دلیل جلوگیری از تکرار مکررات است، وگرنه جایگاه او بر همگان روشن است.

در ذیل به ترتیب اشعاری از مجید امجد، ن. م. راشد، امجد اسلام امجد، پروین شاکر، و دکتر زاهد منیر عامر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مجید امجد

عبدالمجید با نام ادبی مجید امجد در چهاردهم ژوئن ۱۹۱۴ م در شهر جنگ پاکستان به دنیا آمد و بعد از پایان تحصیلات به کارهای متفاوتی مشغول شد. وی شخص پر مطالعه‌ای بود و در فارسی و انگلیسی مهارت خاصی داشت، با زبان‌های عربی، هندی و پنجابی نیز بخوبی آشنا بود. او در سال ۱۹۷۴ م از دنیا رفت. اشعارش در زبان اردو به دلیل ابداع قالب‌های جدید شعری و نیز استفاده از قالب‌های متداول انگلیسی اهمیت خاصی دارد. در کلیات او غزل، قطعه و اشعار غیرمقّمّا، و به قولی شعر نو، بوفور یافت می‌شود.^۱ میزان استفادهٔ او از فارسی را می‌توانیم از فهرست اشعار او دریابیم؛ عناوین بسیاری از شعرها به فارسی است: موجم تبسم، نووارد، لمحات فانی، صبح جدایی، عقدهٔ هستی، سیر سرما، امروز، جبر و اختیار، شاخ چنار، نگاه بازگشت، توسیع شهر، سفر درد، بارکش، ریزهٔ جان، فصل گل، و دامن دل، نمونه‌هایی از آن است.

در غزل‌های او نیز ترکیبات و واژه‌های فارسی بسیاری به کار رفته است. در یکی از غزل‌های او که در سال ۱۹۳۷ م سروده شده است، می‌خوانیم:

عشق کی ٹیسین جو مضرابِ رگِ جان ہو گئیں
 روح کی مدھوش بیداری کا سامان ہو گئیں
 ... اس لبِ رنگین پہ نورین مسکراہٹ، کیا کھون
 بجلیاں گویا شفق زارون میں رقصان ہو گئیں
 ماجرایِ شوق کی ؛ باکیان ان پر نثار
 ہای وہ آنکھیں جو ضبطِ غم میں گریان ہو گئیں
 (کلیات مجید امجد، ص ۵۶)

ترجمہ:

آلامِ عشق کہ مضرابِ رگِ جان شدند
 ابرازِ بیداریِ مدھوشِ روح شدند
 ... بر آن لبِ رنگین، این لبخندِ نورانی؟ چه بگویم!
 گویا رعدها بر شفقزارها رقصان شدند
 گستاخی‌های ماجرایِ شوق بر آن‌ها فدا
 وای آن چشم‌ها کہ در ضبطِ غم گریان شدند ...
 در این غزل ترکیب‌های مضرابِ رگِ جان، لبِ رنگین، ماجرایِ شوق، ضبطِ غم، و واژه‌های
 دیگر کہ کاملاً فارسی اما با کاربردی جدید هستند، در اصل جانِ غزل و کلیدِ فهمِ آن‌اند، کہ
 شاعر کاملاً دانسته و از روی علمِ آن‌ها را بہ کار برده است.
 همچنین در غزلی دیگر کہ بہ سال ۱۹۵۷ م سروده شده است چنین می‌خوانیم:

نظم کهنہ کِ ساہِ مینِ عافیت بہ نہ بیتھ
 نظام کهنہ تو گرتی ہوئی عمارت و
 ... یہ کہہ رہی و صدا توتی سلاسل کی
 کہ زندگی فقط اکِ حسینِ جسارت و
 یہ اکِ جھلک و بدلتِ ہوئی زمانون کی
 جبین جبین پہ شکن بھی کوئی بجهارت و
 چمن مین اہل چمن کی یہ طور، اری توبہ
 کلی کلی، کی ہنسی خندہٴ حقارت و

(کلیات مجید امجد، ص ۲۹۱)

ترجمه:

در سایهٔ نظام کهنه به عافیت منشین
که این نظام کهنه یک عمارت رو به تخریب است
... صدای در هم شکستن زنجیرها چنین می‌گویند
که این زندگی فقط یک جسارت زیباست
این فقط جلوه‌ای از زمان در حال تحول است
شکن هر جسبین هم نوعی معماست
در چمن و این طرز عمل اهل چمن، وای توبه
که خندهٔ هر شکوفه خندهٔ حقارت است.
در این غزل نیز، نظام کهنه، یک حسین جسارت، جبین جبین پرشکن، اهل چمن، و خندهٔ
حقارت از میزان تأثیرپذیری مجید امجد از فارسی حکایت می‌کند.
مجید امجد در شعری با عنوان «پیش‌رو» که در سال ۱۹۵۷ م سروده است، چنین می‌گوید:

پت جهرکی اداس سلطنت مین	یک شاخ برهنه تن په تنها
و برگ مسافتون مین حیران	کچه زودشگفت شوخ کلیان
جو ایک سرور سرخوشی مین	اعلانِ بهار بی بهی پهله
انجام خزان په هنس پری هین	تقدیر چمن بنی کهری هین
اس یخکدهٔ یقین غم مین	دیکهو به شگفته دل شگوف
ماحول نه کائنات اُن کی	یک ناز نمو حیات اُن کی...

(کلیات مجید امجد، صص ۲۹۵-۲۹۶)

ترجمه:

در دولت پژمردهٔ پاییز
یک شاخ برهنه تک و تنها
در مسافت‌های بی‌برگ، حیران
چند شکوفهٔ نوشگفتهٔ شوخ
که در یک سرور سرکشی
حتی قبل از اعلانِ بهار

به انجام خبزان لبخند زده‌اند
 تقدیر چمن شده‌اند
 در این یخکده یقین غم
 بنگر این شکوفه‌های شکفته‌دل
 [که] آن‌ها را نه محیط و نه کائنات است
 یک فخر نمو حیات دارند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود این شعر نیز از انواع ترکیبات و واژه‌های فارسی تشکیل شده است و شاعر ناخواسته و برای روان کردن حس شاعرانه خود از آن‌ها استفاده کرده است.

ن.م راشد

نذر محمد راشد، که با نام ن.م راشد شناخته شده است، در سال ۱۹۱۰ م متولد شده و به سال ۱۹۷۵ م از دنیا رفته است. او مدتی را در ایران به سر برده، مصائب و مشکلات ایران را در زمان اشغال به چشم خود دیده و مجموعه‌ای با سیزده شعر به نام *ایران مین اجنبی* (اجنبی در ایران)، سروده است. وی در این مجموعه می‌کوشد خود را یک بیگانه معرفی نکند، بلکه به عنوان مسلمان و برادر ایرانیان، آنان را به خویشنداری و حس درد مشترک فرا می‌خواند. آن درد مشترک چیزی جز استعمارزدگی نیست. برخی از عناوین این مجموعه عبارت‌اند از: *من و سلوی، میزبان، نارسایی، همه اوست، کیمیاگر، مار سیاه.*

از راشد ترجمه‌ای از آثار شاعران نوگویی آن عصر با نام *جدید فارسی شاعری* به جای مانده است. این مجموعه مدتی بعد از فوت او در سال ۱۹۸۷ م با کوشش مجلس ترقی ادب لاهور چاپ و انتشار یافت.^۱ وی در اشعار خود به انتقام از ظالمان استعمارگر می‌اندیشد و با طُرُق گوناگون می‌کوشد تا انزجار خود را از آنان اعلام کند.

شعرهای «انتقام» و «اجنبی عورت» (زن بیگانه) از جمله این اشعار به شمار می‌روند. راشد در شعرهایش کاملاً آگاهانه از فارسی بهره می‌جوید و با قصد قلبی از تلمیحات و استعارات فارسی در اشعارش استفاده می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که او نیز مانند مجید امجد در ساختن قالب‌های نوین شعر ابتکارات زیادی به خرج داده و از قالب‌های کلاسیک به هیچ وجه استفاده نکرده است؛ کلیات او مجموعه‌ای از «شعر نو» است. در این

۱. ذرا پهر به کهنه، ص ۱۰.

اشعار همیشه بوی خوش فارسی به مشام می‌رسد. موضوع سخن هر چه باشد، حتماً واژگان فارسی روح شعر را تأمین می‌کنند. به بند زیر از شعر «حزن انسان» توجه کنید:

جسم اور روح مین آهنگ نهین
لذت اندوزِ دلاویزی موهوم و تو
خسته کشمکشِ فکر و عمل ...
جسم اور روح کِ آهنگِ بِن محروم و تو!
ورنه شب‌های زمستان ابهی بیکار نهین ...
اور نه بی‌سود هین ایام بهار ...

(کلیات راشد، «مجموعه ماورا»، صص ۷۱-۷۳)

ترجمه:

آهنگی میان جسم و روح نیست
تو در حال لذت بردن از یک دلاویزی موهوم هستی
خسته کشمکشِ فکر و عمل ...
تو از آهنگِ جسم و روح محرومی
وگرنه هنوز شب‌های زمستان بیهوده نیستند
و نه ایام بهار بی‌فایده‌اند ...

در این جا چنین به نظر می‌رسد که به شعر فارسی تعدادی واژه اردو افزوده شده است و اصل شعر به فارسی است. در مجموعه ایران مین اجنبی، که سوگوارهای بر حال زار ایران آن زمان است، فارسی چنان شعرها را به تسخیر خود درآورده است که یک خواننده اردوزبان، باید با ایران و فارسی آشنا باشد تا آن را بفهمد و با اندکی آشنایی با دستور زبان اردو، یک ایرانی براحتی کل شعر را درک می‌کند. در بند آخر از شعر «تماشاگه لاله‌زار» چنین سروده است:

عرویس جوانسالِ فردا، حجابون مین مستور
گرسنه نگه، زود کسارون بی رنجور
مگراب ہماری نِه خواب کابویس ماضی نهین مین
هماری نِه خواب مین، آدم نوکا خواب

جـهـانِ تـگ و دو کـِ خـواب
 جـهـانِ تـگ و دو مـدائـن نـهـین
 کـاخ فـغـفـور و کـسـری نـهـین
 یـه اُس آدـم نـو کـا مـا و نـهـین
 نـشی بـسـتـیان اور نـشـ شـهـریار
 تـمـاشـا گـه لـالـه زار ...

(کلیات راشد، ایران مین اجنبی، ص ۲۴۹)

ترجمه:

ای عروس جوانسالِ فردا، ای مستور در حجاب‌ها!
 [ای] گرسنه توجّه و رنجور از زودگذرها!
 اما دیگر رؤیاهای ما کابوس گذشته نیستند،
 رؤیاهای نوینِ ما، رؤیای آدم نوین است،
 رؤیاهای جهانِ تلاش و کوشش
 اما دنیای جست‌وجو و تلاش، مدائن نیست
 کاخ و فغفور و کسری [هم] نیست
 [زیرا] این دنیا ماورای آن انسان نوین نیست
 [بلکه] شهرهای نوین و شهریاران جدید است
 تماشاگه لاله‌زار ...

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این شعر نیز مانند شعر قبلی از واژه‌ها، ترکیب‌ها و تلمیحات و استعارات فارسی تشکیل شده و بدون اغراق می‌توان گفت که تمام کلیات راشد از این دست است. در اشعار دراماتیک همیشه شخصیت‌ها ایرانی هستند؛ حسن کوزه‌گر و جهان‌زاد (شعرهای «حسن کوزه‌گر»، صص ۲۵۳، ۴۴۳، ۴۸۸ و ۵۴۲)، داریوش بزرگ و نوشیروان عادل در شعر «منّ و سلوی» (کلیات راشد، ص ۱۸۷)، نوروز، زلیخا و گوهر ملک در شعر «میزبان» (کلیات راشد، ص ۱۹۳). راشد شاعری با احساس و دلسوز ملت‌های شرقی بوده و با کمکی که از فارسی گرفته، توانسته است اشعار مؤثری بسراید.

امجد اسلام امجد

شاعر معاصر و اهل شهر لاهور پاکستان که مجموعه‌های شعری برزخ در ۱۹۷۴ م، ساتوان در (در هفتم) در سال ۱۹۷۸ م، فشار در سال ۱۹۸۲ م و ذراپهر سه کهنه (دوباره بگو) به سال ۱۹۹۸ م، از او به چاپ رسیده است. وی در اشعار خود به دنبال حقیقت زمان است و می‌کوشد فلسفه زمان و مکان را در اشعار خود بگنجانند. در این مقاله از طریق مجموعه ذراپهر سه کهنه که در دسترس بوده، به مطالعه و بررسی پیوند او با زبان فارسی می‌پردازیم. در فهرست این مجموعه نیز نام‌های اشعار بیشتر به فارسی هستند: زنجیر، محبت، ای دنیا، قاصد، صدای آشنا و ... (ذراپهر سه کهنه، صص ۱۳-۱۶). وی به برخی قالب‌های کلاسیک از جمله غزل و قطعه نیز شعر می‌گوید، اما بیشتر اشعارش در قالب شعر نو است. در شعر «زنجیر» چنین سروده است:

... از ازل تا به ابد

خواب اور خواب کی تعبیر کد مابین، جو یه

بهاگت وقت کی تلوار سی لهراتی و ...

... از افق تا به افق

شک کی دیوار چلی جاتی و

شک کی دیوار کد اُس پار کا منظر کیا و ...

(ذراپهر سه کهنه، صص ۲۴-۲۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه:

از ازل تا به ابد

میان خواب و تعبیر آن، این

شمشیرگونه‌ای از وقت فراری که در نوسان است...

... از افق تا به افق

همه جا دیوار شک است

منظره پشت دیوار شک چیست؟ ...

می‌بینیم که علاوه بر مصرع‌های آغازین بندها، از «ازل تا به ابد» و «از افق تا به افق» که کاملاً فارسی است، واژه‌های اصلی در دیگر مصرع‌ها نیز همه فارسی هستند. در شعری با عنوان «ذرا سی بات» (یک حرف کوچک) در یک بند چنین آمده است:

... وقت کی روانی و، بخت کی گرانی و
 سخت بی زمینی و سخت لامکانی و
 ہجر کے سمندر میں
 تخت اور تخت کی ایک ہی کہانی و... .

(ذراپہر یہ کہنا، ص ۳۱)

ترجمہ:

... جریان زمان است، سنگینی بخت است
 بشدت بی زمینی است، بشدت لامکانی است
 در دریای ہجر
 تخت و تختہ را داستانی است... .

به نظر می رسد برای بیان فلسفۀ زمان، شاعر ناگزیر از استفاده از ترکیبات فارسی و عربی است: روانی زمان و گرانی بخت، بی زمینی شدید و لامکانی سخت، در انتقال مقصود شاعر به خواننده بسیار مؤثر واقع شده اند.
 در بیتی از یک غزل چنین می خوانیم:

... ویست تو هر شخص کے دل میں ایک کہانی ہوتی و
 ہجر کا لاوا، غم کا سلیقہ، درد کا لہجہ ہو تو کھو...

(ذراپہر یہ کہنا، ص ۱۰۷)

ترجمہ:

معمولاً در دل هر شخص داستانی موجود است
 اگر گدازۀ ہجر، سلیقہ غم، لہجہ درد باشد آن وقت بگو... .

از مصرع اول کہ بگذریم در مصرع دوم «کا» نشانہ کسرہ اضافہ در اردوست، بنابراین اگر به جای آن یک کسرہ در آخر واژہ دوم هر ترکیب اضافی اردو بگذاریم و واژہ اول هر ترکیب را بعد از آن بیاوریم همان ترکیب فارسی خواهد شد. گدازہ ہجر، سلیقہ غم، و لہجہ درد را شاعری در کلام خود می آورد کہ به فارسی و کاربرد آن آشنا باشد.

پروین شاکر

پروین شاکر شاعرہ پرآوازہ پاکستان در سال ۱۹۵۲ م در شهر کراچی متولد شد و به سال ۱۹۹۴ م در اسلام آباد درگذشت. او نیز مانند ہمنام ایرانی اش مجال بیشتری را در این دنیا نیافت. مجموعہ آثار شعری او با نام های خوشبو در سال ۱۹۷۷ م، صد برگ در سال ۱۹۸۵ م، انکار در سال ۱۹۹۰ م و کلیات او با نام ماه تمام در سال ۱۹۹۴ م به چاپ رسیده اند. رشتہ تحصیلی دانشگاهی او زبان انگلیسی بود و پس از اخذ مدرک فوق لیسانس، مدتی را به امر تدریس این زبان مشغول بود.^۱ این ارتباط با زبان انگلیسی در اشعار او کاملاً مشهود است. از دلایل انتخاب این شاعرہ روشن ساختن این نکته است کہ وی ہر چند تحصیلات خاص فارسی نداشته و تا حدودی ہم دارای افکار جدید بوده، اشعارش از زیر سلطہ فارسی بیرون نیامده است. در یکی از اشعارش چنین می خوانیم:

... آگی سفر آسان ہو جا ئیگا شاید
محبت مجہ بہ دنیا نی وصولی
قرض کی مانند
نیکی سود کی صورت مین
حاصل کی ...

(پروین شاکر: شخصیت، فن اور کلام، ص ۹۱)

ترجمہ:

جلو تر شاید سفر آسان تر خواهد شد
دنیا از من مثل قرض قابل وصول
به عنوان سود، نیکی را
حاصل کرد

سفر آسان، محبت، وصولی قرض، نیکی، سود، و ... ہر کدام نوع و کیفیت برخوردار شاعر را با دنیا بیان می کنند. در شعری کہ قالب آن به مثنوی نزدیک تر است می خوانیم:

... یہ ساری حرف مری جد فہم بہ باہر
مین ایک لفظ بھی محسوس کر نہیں سکتی

۱. پروین شاکر: شخصیت، فن اور کلام، ص ۵.

مین هفت خوان تو کبھی بھی نہ تھی... مگراس وقت
یہ صوت و رنگ، یہ آہنگ اجنبی ہی سہی...

(پروین شاکر، شخصیت، فن اور کلام، ص ۹۶)

ترجمہ:

... تمام این سخن‌ها از حد فهم من خارج‌اند
من حتی یک واژه را هم احساس نمی‌کنم
من هیچ‌گاه در هفت خوان نبودم... اما اینک
این صوت و رنگ، این آہنگ، اجنبی هستند.

علاوہ بر واژہ‌های حرف، لفظ، محسوس، صوت و رنگ و آہنگ، تلمیح «ہفت خوان» نیز
در این شعر قابل توجہ است.

پروین شاکر نیز همانند تمام شاعران اردو، فارسی را حس کردہ و احساسات خود
را با آن ابراز کردہ است، اگرچہ حالت و کیفیت کلی بیان اردوست.

دکتر زاہد منیر عامر

شاعر جوان و ادیب و ادب‌دوست زبان اردو، کہ از استادان زبان و ادبیات اردو در دانشکدہ
خاورشناسی دانشگاه پنجاب در شہر لاہور است. او بہ فارسی علاقہ فراوان دارد و براحتی
بہ این زبان حرف می‌زند و کتاب‌های ادبی و دیوان شاعران را مطالعہ می‌کند. دکتر زاہد
منیر عامر در شعرهای خود بہ دنبال مقاصد خاصی است و از پرگویی‌های متداول برخی
شاعران دوری می‌گزیند و ہر آنچه سرودہ است، ہمہ را می‌توان منتخب و گزیدہ دانست.
اولین مجموعہ شعری او با نام *پہلی سحرکی رنگ* (رنگ صبح اول) در سال ۱۹۸۹ م، و
تراعکس آئون مین (تصویر تو در آئینہ‌ها) در سال ۲۰۰۰ م بہ چاپ رسیدہ کہ در این مقالہ
ملاک بررسی و تحقیق قرار گرفتہ‌اند.

دکتر زاہد منیر عامر در آوردن استعارات و تشبیہات وام‌گرفته از زبان فارسی، در عین
نوآوری کامل، کمال هنر را بہ خرج دادہ است:

ہواکی دوش پر کچھ برق پارِ
سماعتِ کِ در نازکِ پہ پہنچ...

(تراعکس آئون مین، ص ۳۵)

ترجمه:

تعدادی از تکه‌های رعد بر دوش هوا
به درِ ظریف گوش رسیدند....

استعارهٔ دوشِ هوا نوعی ترکیب جدید و مبتکرانه است؛ اگرچه شعرای سبک هندی به ویژه
بیدل دهلوی، از این ترکیب‌ها بسیار دارند.
زاهد منیر عامر در شعری چنین سروده است:

آسمان پر ستارون ز کها:
بر سرِ خاکِ یه کیسی و کرن؟
کوئی افتاده ستاره و ارم و، که چمن
کون و جس کی چمک ماند کی دیتی و
سرِ افلاک هما را جوین...
... ای مری شمع فروزان، مری رهبر تو و
مری مونس، مری همدم، مرا سب کچ تو و
تو کرن و که دهنگ
تو ارم که دلهن...

(تراعکس آتون مین، صص ۴۱-۴۲)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ترجمه:

بر آسمان‌ها ستاره‌ها [چنین] گفتند:
این شعاع بر سرِ خاک چگونه است؟
آیا ستاره‌ای فرو افتاده است یا ارم است یا که چمن؟
کیست که درخشش او بر بالای افلاک
اوج زیبایی ما را کم رنگ می‌نماید...
... ای شمع فروزانِ من، رهبر من تویی
مونس من، همدم من، همه چیزم تویی
تو شعاعی یا رنگین‌کمان؟
تو ارمی یا که عروس؟...

شاعر برای بیان اوج زیبایی و درخشش محبوب خود، مشبّه‌های ستاره، ارم و چمن را برگزیده است، او را «شمع فروزان»، «مونس» و «همدم» گفته است و با استفاده از واژه‌های زیبای فارسی.

در این نوشتار کوتاه فقط توانستیم به بررسی اشعار پنج تن از شاعران معاصر پردازیم. پرواضح است که این شاعران و نیز آثار آن‌ها، که در این مقاله بدان‌ها پرداختیم، فقط مشت نمونه خروار از شاعرانی هستند که کلامشان مملو از سرمایه‌های ادبی فارسی است.

از سویی می‌توان ادعا کرد که با وجود تلاش بسیار استعمار برای ایجاد جدایی بین مردم مسلمان ایران و مسلمانان شبه‌قاره و از دور خارج کردن زبان فارسی، این زبان با خون و فرهنگ آن خطه چنان در آمیخته است که هیچ ابزاری قادر به جدا کردن آن دو از هم نیست. زیرا بلبل شیراز و گل و باغ و چمن و خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و وامق و عذرای فارسی فقط به ایران تعلق ندارند، و شاعر اردو زبان نیز برای بیان مقاصد خویش از آن‌ها استفاده می‌کند. تشبیهات، استعارات، تلمیحات و خلاصه تمام آرایه‌های ادبی فارسی، همان‌طور که برای ما ایرانیان وسیله ابراز احساسات هستند، برای شاعران و ادیبان اردو زبان هندوستان و پاکستان نیز همین جنبه را دارند.

امید که این تلاش ناچیز صلابی عام برای پژوهشگران و محققان ارجمند باشد که با اندک توجهی به خانه همسایه دیوار به دیوارمان، بتوانیم ارتباطات دیرپای فرهنگی خود را حفظ کنیم و گسترش دهیم.

کتابنامه

۱. امجد اسلام امجد، ذرا بهر به کهنه، لاهور، مطبع نیاز جهانگیر، ناشر: فواز نیاز، ۱۹۹۸ م.
۲. خواجه محمد زکریا، کلیات مجید امجد، لاهور، مطبع ماورا پبلشرز، ۱۹۸۸ م.
۳. زاهد منیر عامر، ترا عکس آتھون مین، لاهور، مطبع زاهد بشیر پرنترز، ۲۰۰۰ م.
۴. سلیم اختر، اردو ادب کی مختصرترین تاریخ، لاهور، مطبع سنگ میل پبلی کیشنز، لاهور، اردو باز، ۱۹۹۱ م.
۵. طارق بلوچ صحرائی، پروین شاکر: شخصیت، فن اور کلام، مطبع روز پبلشرز، ۱۹۹۸ م.
۶. معین نظامی، نظمین تیرا طواف کرتی مین، لاهور، مطبع فکشن هائوس، ۱۹۹۷ م.
۷. ن. م. راشد، کلیات راشد، مطبع ماورا پبلشرز، ج ۲، ۱۹۹۱ م.